

منظر کوهستان

بررسی‌هایی پیرامون آلپ غربی پس از قرن ۱۸

چکیده | نوشتار حاضر رابطه متقابل کوهستان، مردم ساکن در آن و فرایند ساماندهی، تحول و محافظت از آن را بررسی می‌کند. برای نیل به این هدف، کوهستان‌های آلپ غربی و قرن ۱۸ میلادی که اولین نشانه‌های توجه به کوهستان را می‌توان در آن رصد کرد، به عنوان مبدأ قرار گرفته است. نقطه آغاز این بحث نوع نگاه به کوهستان خواهد بود؛ چگونه کوهستان در طول چند قرن اخیر و تدریجاً به موضع شناخت و به موازات آن منظری ارزشمند، تحسین شده و محافظت شده و کوه‌ها به منبعی نمادین برای جوامع مدرن تبدیل شده است. در ادامه نقش کوه در پروژه‌های سرزمینی یا مشارکتی مورد پرسش قرار خواهد گرفت.

با این حال هر فرهنگ و تمدن به روش خود کوهستان و ارزش‌های منسوب به آن را تبیین می‌کند. هر تحلیلی باید به یک بستر تاریخی و فرهنگی نسبت داده شود. بدون ورود به بحث‌های ترتیب زمانی گفتمان‌های مطرح شده در مورد آلپ، عصر روشنگری هم‌زمان با شور و اشتیاق نسبت به سرزمین‌های کوهستانی و همچنین شروع شکل‌گیری آگاهی علمی در مورد آنهاست.



آن اسگارد، دپارتمان جغرافی و محیط، دانشگاه ژنو، سوئیس.

Anne.sgard@unige.ch

ترجمه: سید محمدباقر منصور، پژوهشگر دکتری معماری، دانشگاه پاریس EST، فرانسه.

smb.mansouri@gmail.com

واژگان کلیدی | کوه، منظر، کوهستان، آلپ، طبیعت.

تصویر ۱: نگاه رعب‌انگیز به کوه موجب شد حادثه بهمن شهر لاوانچی سوئیس در سالنامه سال بعد ثبت شود. مأخذ: آرشیو شخصی نگارنده.

Pic1: The intimidating look to the mountain led to registration of Lavanchy event in Switzerland on the next year calendar.
Source: Author's personal Archive.

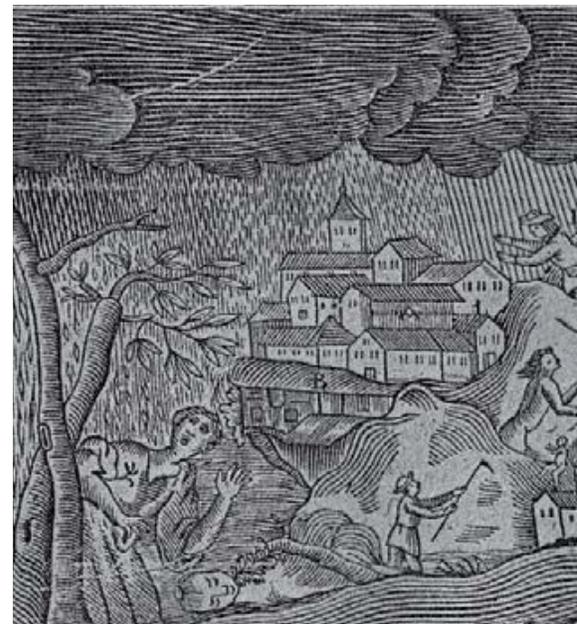
تصویر
Pic1



شکل‌گیری دانش در مورد کوه : متأخرو برون زاد

تا قرن ۱۸ میلادی کوه‌های آلپ، سرزمین‌های حاشیه‌ای ناشناخته و کم‌سکنه‌ای بودند. از گذشته در ارتفاعات و دره‌های داخلی این کوه‌ها سکونتگاه‌هایی وجود داشته است. آثار سکونت، رفت‌وآمد و تجارت در برخی نواحی آن به دوره میان‌سنگی می‌رسد (Burrello, 2011). در قرن ۱۹ این کوهستان به تراکم جمعیتی بالایی دست پیدا می‌کند. کوه‌های آلپ محل رفت‌وآمد ساکنین دشت‌ها برای گذر از اروپای شمالی و فرانسه به ایتالیا و مدیترانه بوده است. گذر از این کوهستان به سرعت و در مسیرهای صعب‌العبور صورت می‌گرفته و به همین دلیل مسافریین فرصتی برای مکث و توجه به این مناطق و ساکنان آن پیدا نمی‌کردند.

با مطالعه منابع (سفرنامه، مکاتبات، اعزام‌های نظامی) نگرشی بیرونی توسط نخبگان فرهنگی و اقتصادی به دست می‌آید (Bourdon, 2011). بین قرن‌های ۱۵ و ۱۷ میلادی آثار بازدیدکنندگان خارجی، تصاویری محدود از کوهستان‌هاست که در آن، کوه‌ها مناطق پرخطری هستند که به طور دایم با هم، سیل و رانش زمین مسافریین را تهدید می‌کنند. در این تصاویر خیالی، عناصری مانند



جانوران وحشی و هیولاهای وحشتناک نیز به کار رفته است. به این ترتیب حادثه بهمن شهر لاوانشی^۱ سوئیس (فوریه ۱۷۴۹) که کشته‌ها و خسارت‌هایی به جای گذاشت، در سالنامه سال بعد ثبت شد (تصویر ۱).

وجود رهبانیت باستانی در کوه منشأ حضور قابل توجه اقتصاد و انسان حتی در نواحی دور افتاده بوده است. تعدادی از دستورات دینی در جستجوی «کویر» برای دوری جستن، عروج و خلوت‌گزینی انسان‌ها بودند. این دو سنت به «ژ. پیوزونه» این مسئله را القا کرد که تصویر خیالی کوهستان از دو بعد درون‌زمینی در ارتباط با غارها، گودال‌ها و دره‌ها و روحانی وابسته به عروج و تقرب به آسمان‌ها تشکیل شده است (Bozzonnet, 1992). بسیاری از انسان‌شناسان مانند میریسا الیاداز^۲ از وجود کوه‌های مقدس در اغلب تمدن‌ها نام برده‌اند. مناطق کوهستانی اروپا از مدارهای اقتصادی نیز حذف نشده‌اند. از اغلب رشته‌کوه‌ها چوب، ذغال چوب و محصولات فلزی استخراج می‌شود. همچنین بخش اعظم منابع آبی از این منطقه تأمین می‌شود و به ویژه پس از قرن ۱۷، کارگران فصلی و دایمی از این مناطق می‌آیند.

تسلط علمی، اقتصادی و زیبایی‌شناسانه بر آلپ

از قرن ۱۸ و به خصوص قرن ۱۹، تسلط علمی، اقتصادی و زیبایی‌شناسانه آلپ تحقق می‌پذیرد و در بستر «عصر روشنگری» تعریف می‌شوند: توجه روزافزون به طبیعت و میل به سرشماری و سازماندهی روشمند علوم. هوراس پندیکت دو سوسور (۱۷۴۰-۱۷۹۹) طبیعت‌گرا و کوه‌نورد و مؤلف اولین مطالعات زمین‌شناسی و آب‌وهوای رشته‌کوه‌های آلپ و دومین کوه‌نورد صعودکننده به قله «مون بلان» در ۱۷۸۷ است.

به دنبال بازدید اولین سیاحان از این مناطق، گردشگری در چند مکان نشانه‌ای (به خصوص شامونی^۳) توسعه پیدا می‌کند و بیشتر روی ارتفاعات «یخچال‌ها» و قله‌های بلند متمرکز می‌شود. به دنبال آن ترکیبات منظرینی ارزش‌گذاری می‌شود که ترکیبی از صخره، یخ، آبشار و رود است. کاسپار وولف سوئیس یکی از اولین نقاشانی است که در جست‌وجوی این چشم‌انداز و در تکاپوی به نقش درآوردن «زیبایی متعالی»، سبک نقاشی قرن ۱۹ را متحول کرد (Reichler, 2002). او در نقاشی‌های خود از عناصری مانند یخ، بافت‌های صخره‌ها، مه و ابرهای احاطه‌کننده استفاده می‌کند که منحصر به کوه‌های

مرتفع است و نقاشان کمی به آن پرداخته‌اند. همچنین کوه‌نورد شجاعی که جرأت می‌کند با مخاطرات مواجه شود و برای فتح طبیعت ماجراجویی کند، همواره در نقاشی‌های او حضور دارند (تصویر ۲).

این سه نوع مکاشفه درباره کوه‌های آلپ یعنی علم، کوه‌نوردی و نقاشی تا قرن ۱۹ ادامه پیدا می‌کند. در پایان این قرن به دلیل بهره‌برداری روزافزون از منابع، از جمله انرژی برق - آبی، افزایش کوچ‌گردی، توسعه گردشگری و آب‌درمانی، ورود مناطق کوهستانی اقتصاد اروپا را تقویت می‌کند. به مرور با بهره‌برداری از منابع، تولید علم و ارزش‌گذاری زیباشناسانه، تمام مناطق آلپ حتی کوهستان‌های کم‌ارتفاع که چندان توجهی به آنها نمی‌شد، مورد توجه قرار می‌گیرند. به این ترتیب در ابتدای قرن ۲۰، شیفتگان عکاسی کوهستان‌های کم‌ارتفاع - مانند ورکور - را سوژه عکاسی خود قرار می‌دهند. آنها از گشایش کوهستان که از کندن مسیرهای ارتباطی در دل صخره‌ها به وجود آمده و مسیر حرکت کاروان‌های چوب کارخانه‌های کاغذسازی است، عکاسی می‌کنند (Sgard, 1994)؛ (تصویر ۳).

این نگاه از منظر نخبه‌ایست که ارزش‌ها و طبقه‌بندی‌های خود را تحمیل می‌کند. شکل‌گیری دانش و ارزش‌گذاری و بازآفرینی تصویری کوه‌های آلپ، بیرون‌زا بوده و حاصل کار مسافران ثروتمند و به خصوص قشر مرفه شهرنشین، نخبگان روشن‌فکر و اقتصادی است. این نگاه بیرونی به ساکنینی که غالباً بی‌سواد و خشن هستند و گاهی به تخریب محیط کوهستانی متهم شده‌اند، توجه چندانی نمی‌کند. مثلاً در هنگام جدال بر سر جنگل‌زدایی کوه‌ها در پایان قرن ۱۹، چهره «کودن» (بیمار گواتر) این نگاه خارجی را خوب نشان می‌دهد.

به طرز کلی، اروپای غربی چارچوبی علمی را تحمیل می‌کند که آلپ را مدل کوه در نظر می‌گیرد؛ همان‌طور که کتاب «انسان و کوهستان» (ژ. بلاش) در ۱۹۳۴ آن را حکایت می‌کند (Sgard, 2001). این مدل بعدها به مثابه منبعی برای اکتشافات و شکل‌گیری دانش در ارتباط با سایر کوه‌های جهان مورد استفاده قرار می‌گیرد.

بدین ترتیب پس از کاوش، نقشه‌برداری، نام‌گذاری، بهره‌برداری، تبدیل شدن به سوژه‌ای برای نقاشی و سایر هنرهای تجسمی، در جوامعی که برای کوهستان ارزش قایل شدند، کوه‌ها نه تنها منابعی اقتصادی بودند، بلکه وجه سمبولیک نیز پیدا کردند. از این پس مسئله هویت انسان‌ها و مطالبه آن از این عناصر طبیعی موضوعیت پیدا می‌کند.

کدام تصاویر و منابع نمادین برای کوه‌های معاصر؟

● کوه‌ها، نمادهای ملت

قرن ۱۹ بستر به وجود آمدن ملت‌های اروپایی و شکل‌گیری گفتمانی در مورد ملت است. بسیاری از کشورهای اروپایی در این چارچوب مناطق کوهستانی و قله‌هایشان را ارزش‌گذاری می‌کنند. سوئیس، که به تقریب تمام آن در کوه‌های آلپ واقع شده، یکی از کشورهاییست که بیش از همه، مناظر و سنت‌های کوهستان را ارزشمند می‌داند (Walter, 2004). مناظر آن از یک سو تزئینی برای تاریخ و از سوی دیگر به عنوان نماد کشور مورد استفاده قرار می‌گیرند. تمبرهای پستی، تزئینات ساختمان‌های عمومی، تصاویر کتاب‌های درسی در میان مراتع، کوهپایه‌ها و قله‌های حفاظت‌شده با ارتفاعات که اولین دموکراسی اروپا را به وجود آورده از کوه به عنوان نماد استفاده شده است. به طور مثال نمایشگاه‌های جهانی، فرصتی برای دولت‌هاست که خود را عرضه کنند و سوئیس در هریک از این نمایشگاه‌های بزرگ، مناظر و معماری کوهستانی‌اش را به نمایش می‌گذارد (Ibid). این ارزش‌های قابل‌شدن برای کوه‌ها که بیشتر با بازنمایی مناظر قله‌های بلند و چند عنصر تکرارشونده (کلبه، دریاچه، برف‌های معروف به جاودانی) صورت می‌پذیرد و جایگزین موضوع مرزهای طبیعی. مطرح شده در اوایل قرن ۱۹ - می‌شود، اگرچه به کوه‌ها نقشی اساسی در شکل‌گیری سرزمین می‌بخشید، اما آنها را با به حاشیه‌بردن تنزل می‌داد.

● کوه به عنوان میراث ملی

تخصیص مناطق کوهستانی که به مدد گردشگری رفته‌رفته به دادوستدهای اقتصادی راه پیدا کرد، به سرعت با جریان مدافع حفاظت آنها همراه شد. در فرانسه یک شرکت

حفاظت از مناظر در ۱۹۰۶ جهت پایه‌گذاری راهکارهای حفاظت از مناظر به همان شیوه آثار تاریخی تشکیل شد. در دیگر مناطق اروپا نیز سیاست‌های حفاظت از فضا‌های طبیعی در همین دوره پی‌ریزی شدند (انگلستان، اسکاندیناوی، سوئیس). پس از این دوره پارک‌های طبیعی زیادی در کوهستان‌ها شکل می‌گیرند و به عنوان اکوسیستم‌های استثنایی متمایز می‌شوند. در اغلب موارد به نام محافظت از طبیعت گیاهی و جانوری - یعنی مناظر طبیعی و نه فرهنگ‌های بومی - مناطق کوهستانی جزئی از میراث‌های ملی اروپایی می‌شوند.

تاریخ احداث اولین پارک طبیعی فرانسه، پارک وانواژ^۲ بازگوکننده جهت‌گیری‌های سیاسی در سال‌های ۱۹۶۰ است (Mauz, 2003). چند طرح حفاظتی رقیب به طور هم‌زمان روی این رشته‌کوه بلند کار می‌کردند. یکی از آنها ایجاد یک شکارگاه بز کوهی و دیگری یک منطقه بزرگ برای حفاظت از تمدن کوهستانی را پیشنهاد می‌کرد. با نگاهی فرهنگی ترو به خصوص توجه به معماری و تکنیک‌های سنتی نهایتاً طرحی به ثمر رسید که در صدد حفظ اکوسیستم‌های مرتفع، زیگان و گیگان بالای مرز سکونت دایمی بود. به روشنی می‌بینیم در اولین مرحله میراث‌سازی مناطق کوهستانی، بخش‌های طبیعی در اولویت قرار می‌گیرند.

ارزش‌گذاری فرهنگ‌های کوهستانی مسیری موازی را طی کرد و به تدریج ساکنین کوهستان جایگاه قابل‌قبولی را در جوامع اروپای غربی به دست آوردند. از ابتدای قرن ۲۰ فرهنگ‌های بومی مورد توجه برخی دانشمندان قرار گرفت. قوم‌شناسان، مورخان و جغرافی‌دانان کوهستان‌ها را در جست‌وجوی اشیاء و توصیفات شفاهی زیر پا گذاشتند. به خصوص پس از جنگ جهانی دوم موزه‌هایی برای جمع‌آوری اشیاء و آثار نحوه زندگی کوه‌نشین‌ها که در روند مدرنیزاسیون در معرض نابودی قرار گرفته‌اند، احداث شد. «میراث‌کردن» فرهنگ‌ها، فنون و در اولویت قرار گرفتن هنرهای مشهور به «عامه» تا



تصویر ۲: یخچال برتون اثر «کاسپار وولف» نقاش سوئیس. وی از جمله اولین نقاشانی است که در تلاش برای به نقش درآوردن «زیبایی متعالی» طبیعت بود. مأخذ: آرشیو شخصی نگارنده.

Pic2: Burton glacier, painted by "Caspar Wolf", a Swiss painter. He was one of the premier painters who endeavored to depict the "sublime beauty" of nature. Source: Author's personal Archive.

تصویر ۲
Pic2

مطالعه تاریخ و سیر حضور کوهستان‌های مجاور منطقه ژنو، گویای حضور مداوم این عناصر طبیعی در فرهنگ این سرزمین است. حضوری که از توهما و تخیلات سنتی، تا بهره‌وری فیزیکی و محوریت شکل‌گیری انجمن‌های محلی ادامه داشته است. این اتفاق فارغ از اینکه به انحاء مختلف رخ داده، بیان‌گر این نکته اساسی است که عناصر شاخص طبیعی سرزمین‌ها همواره بخشی از منظر فرهنگی ملت‌ها بوده‌اند.

دخیل است و محدودیت‌های خاص کوهستان مانند برف زمستان، مشکلات رفت و آمد، کمبود فضاهای فرهنگی و تفریحی را جبران می‌کند. به این ترتیب سکونت در کوهستان می‌تواند یک نقشه واقعی زندگی را شکل دهد که نیازمند انتخاب مسکن، شغل و گاهی انصراف از نوعی آسایش شهری خواهد بود.

این وابستگی به ارزش‌های جمعی نسبت داده شده به کوهستان، که به مثابه چارچوب زندگی و منظر است، فعالیت‌های محلی را در مقابل طرح‌های توسعه یا تجهیزات توضیح می‌دهد. به این ترتیب مسئله مسکن در روستاها و دهکده‌های کوهستانی معمولاً در مقابل مخالفت ساکنان نسبت به هرگونه مسکن جمعی، متوقف می‌شود. کوهستان باید محدوده مسکن فردی در قالب کلبه، مزرعه یا خانه انفرادی باشد. ممانعت از توسعه منظر با ساخت‌وسازهای جدید و مخالفت با مسکن جمعی و ساکنان جدید، وضعیت مسدودی برای زمین‌ها ایجاد می‌کند که وابستگی به منظره توجیه‌کننده آن است.

۲. تصویر کوه در سیاست‌های شهری

در عرصه سیاست‌ها و طرح‌های شهری اینکه کوه چگونه هم به عنوان منظر و هم به عنوان سرزمینی در همسایگی، برای مستدل کردن یک پروژه نقش دارد، مورد بررسی قرار می‌گیرد. این مسئله به ویژه در شکل دهی شهرها و تصاویری که به وجود می‌آورند، آشکار می‌شود. بسیاری از شهرهای آلپ (گرونوبل و شامبری در فرانسه، تورین در ایتالیا، زوریخ در سوئیس، اینسبروک در اتریش) در این نامیدن و همچنین ارزش‌گذاری مناظری که شهر و کوه‌های اطرافش را به نمایش می‌گذارد، در جستجوی یک عرصه نمایش و تزیینی برای سیاست‌های نوسازی نوآورانه و پویایی هستند که این شهرها آن را ترویج آن می‌کنند.

به این ترتیب شهر ژنو در سوئیس همواره در بستر خود که توسط کوه «سالو» در ضلع جنوبی و قلّه «ژورا» در ضلع شمالی احاطه شده و رو به دریاچه «لمان»، کوه‌های همسایه را که اهالی ژنو آنها را عمیقاً از آن خود می‌دانند - نشان می‌دهد. اما در عین حال این شهر با افاق قلّه‌های دورتر مون بلان هم ارتباط برقرار می‌کند. این قلّه‌ها دورتر و ناشناخته‌ترند، اما در معرفی شهر و نام‌گذاری مکان‌های شهری نقش بیشتری دارند.

شهر ژنو با شهرستان‌های همسایه سوئیس و فرانسه برای ایجاد یک محدوده بزرگ شهری فرامرزی (رویکرد پیشرو در این نوع ارتباط بینا شهری) متصل شده است. این مجموعه «ژنو بزرگ» نام گرفته و به دنبال مدیریت اشتراکی رشد شهر، تفکیک فعالیت‌ها، سیاست‌های حمل و نقل و سیاست‌های محیطی است. یک طرح منظر از ۲۰۰۷ این پروژه محدوده بزرگ شهری را همراهی می‌کند. در مرحله اول به شناسایی عناصر کلیدی منظر نیاز بود: ایده «قاب منظرین» که از دو کوه نزدیک، دریاچه و فضاهای زراعی تشکیل شده، عناصر شکل‌دهنده‌ای را که بیان‌گر رشد شهر است، پیشنهاد می‌کند. چالش فعلی حساس ساختن منتخبین و تکنیسین‌ها نسبت به مناظری است که کمتر نمایان هستند: مناظر شهری، مناظر حرکت، مناظر معمولی حاشیه‌ای. بخش دوم طرح منظر در ۲۰۱۱، سعی در ترویج منظر به عنوان ابزار مشاوره و هماهنگی بین سیاست‌های مختلف منطقه‌ای ژنو بزرگ دارد.

پایان قرن ۲۰ به طول انجامید. امروزه راهکارها تکثیر شده‌اند تا جایی که گاهی «همه چیز میراث» که درصد ارزش‌گذاری تمام آثار این سنت هاست، محکوم می‌شود. در مقیاس فردی، فعالان کوهستانی مانند کشاورزان، کوه‌نوردان، پیمانکاران گردشگری در نیمه دوم قرن ظاهر می‌شوند. جمعیت بومی رفته‌رفته به فرایندهای تصمیم‌گیری در مورد ساماندهی کوه‌ها می‌پیوندند. به همین دلیل مردم محلی تمایل بیشتری به توسعه و مشارکت در پارک‌های طبیعی منطقه‌ای فرانسوی که بعد از ۱۹۷۰ احداث شدند، نشان می‌دهند؛ چنان‌که پارک‌های ملی براساس ابتکار محلی‌ونه باتصمیم دولت به وجود آمده‌اند.

طراحی برای ساماندهی یا محافظت از کوه

سیر تحول سریع و عمیق محیط، اقتصاد و فرهنگ کوه‌ها در طول قرن ۲۰ نشان می‌دهد دو منطق متضاد همواره در کنار هم حضور دارند و هرکدام بر فلسفه خاصی از کوه، نقش آن در دولت‌ها و ارزش‌هایی که به آن داده می‌شود، تکیه می‌کنند (Rudaz & Debarbieux, 2010). منطق سامان‌دهنده که تحت عنوان تسخیرکننده نیز از آن یاد می‌شود، مناطق کوهستانی را به مثابه ذخایر منابع و برای بهره‌برداری و ورود به مدارهای اقتصادی به وسیله تجهیزات ارتباطی در نظر می‌گیرد. به اجرا درآوردن این منطق سامان‌دهنده با مراحل بزرگ سامان‌دهی مناطق کوهستانی مانند راه‌آهن، انرژی برق - آبی، صنعتی‌سازی دره‌های بزرگ و گردشگری صورت می‌گیرد. معماری، ساختمان‌های شهری ناهماهنگ با سبک‌های محلی را ترجیح می‌دهد: شهر را در کوهستان می‌سازیم. مناظر تولید و حمایت شده در این چارچوب، مثلاً توسط تبلیغات، پیش از هر چیز ارتفاعات بالای کوه، دره‌های بزرگ و کوهی که در آن تجهیزات، آشکار و بزرگ‌نمایی شده‌اند را نشان می‌دهد. در طول قرن این منطق در مقابل منطق محافظت‌کننده قرار گرفته است که هرکدام به نوبت و بنا بر اقتضائات زمانی و بستری از یکدیگر پیشی می‌گیرند. منطق دوم که گاهی از آن تحت عنوان منطق متفکر یاد می‌شود، بر مبنای فلسفه کوه به مثابه محیط استثنایی، ظریف و تهدیدشده توسط تجهیزات و به دنبال راهکارهای میراث‌سازی یا محافظت‌کننده شکل گرفته است. این منطق یادآور مفهومی از کوه است که در قرن ۱۹ شکل گرفت که بنا بر آن کوه مکانی برای باززایی، دور از شهر و آلودگی‌های آن است و باید استفاده از تجهیزات بزرگی را که به اکوسیستم آسیب می‌رسانند در آن ممنوع کرد. معماری در این چارچوب سعی در بازیابی سبک‌ها و مصالح سنتی دارد. مناظر در این جا بر عناصر طبیعی و یک هارمونی ایده‌آل میان سکونت انسان و محیط تأکید می‌کنند.

حضور کوه در طرح‌های انفرادی و جمعی

یک روش بررسی جایگاه و نقش کوه در جوامع امروزی، تلاش برای درک این است که چگونه اشخاص یا گروه‌ها هویت خود را از آن می‌گیرند یا آن را از آن خود می‌دانند و پروژه‌های خود را در رابطه با آن تعریف می‌کنند. برای فهم موضوع سه مثال در سه مقیاس شرح داده می‌شوند.

۱. منبعی برای ساخت هویت‌های فردی و جمعی

مصاحبه با ساکنان سرزمین‌های کوهستانی، ماده خام مناسبی برای بررسی روش‌های خودتعیینی افراد فراهم می‌کند (Sgard, 1994). این مصاحبه‌ها نشان می‌دهد اغلب ساکنین خود را در ارتباط با مکان‌ها و مناظری تعریف می‌کنند که به طور خاص کوهستانی هستند و خیلی راحت مکان زندگی خود را در مقابل «پایین دست» و شهر قرار می‌دهند. آرامش، سبزی، حضور قلّه‌های آشنا، اندازه کوچک روستاها و دهکده‌ها در کیفیت زندگی

تصویر ۳
Pic3

تصویر ۳: مسیر گران گوله، ورکور، فرانسه.
مأخذ: آرشیو شخصی نگارنده.

Pic3: the road to Grand Goulets in the Vercors, France.
Source: Author's personal Archive.

۳. شبکه‌های اجتماعات کوهستان برای بیان شکلی دیگر از استفاده از تصویر کوه در جهت بیان هویتی جمعی، مقیاس را تغییر می‌دهیم: مقیاس شبکه‌های اجتماعات اهالی کوهستان که از سال‌های ۱۹۹۰ به وجود آمده‌اند. این شکل‌های گوناگون تعامل بین‌المللی به دنبال سازماندهی کشورها، مناطق و شهرهاییست که به دلیل موقعیت قرارگیری شان در کوهستان، احساس شکل‌دهی اجتماعی با منافع مشترک داشته‌اند.

در این رابطه می‌توان به قرارداد آلپ در ۱۹۹۳ اشاره کرد که کشورها یا مناطق هلال آلپی را برای ایجاد سیاست‌های مشترک توسعه، محافظت و همکاری‌های علمی گرد هم می‌آورد. در این فضا شبکه‌های دیگری مانند «اتحاد در آلپ» که این نوع همکاری را در مقیاس شهرستان‌ها توسعه می‌دهد و شبکه «آلپارک» که همه فضاهای محافظت‌شده درون محدوده قرارداد را گرد هم می‌آورد، ایجاد شده‌اند. قرار دادکارپاتز نیز که براساس این مدل ایجاد شده، در پی همین قرارداد آمده است.

در مقیاس جهانی، شبکه‌های «مردمان کوهستان» در قالب انجمن‌هایی مانند «انجمن جوامع کوهستانی دنیا» یا «مشارکت کوهستان» همکاری‌هایی را تحت حمایت سازمان ملل پیش‌بینی کرده‌اند.

درورای فعالیت‌های خاص هریک از این انجمن‌ها، استعداد و پویایی آنها نشان می‌دهد که اشکالی از همبستگی بر پایه این تعلق مشترک به مناطقی که اغلب در خاک کشورشان به حاشیه رانده شده‌اند ولی از نظر نمادین قویاً به آنها تعلق دارد، به وجود می‌آید و به دنبال ترویج سرزمین‌های کوهستانی به مثابه یک خانه مشترک در مقیاس سیاره‌ای هستند.

جمع‌بندی | کوهستان‌ها، عناصر طبیعی ویژه‌ای به عنوان بستر یا در ارتباط با سکونت‌گاه‌های انسانی بوده‌اند که در دوره‌های مختلف به شکل‌ها و با فرم‌های ذهنی متفاوتی با زندگی مردمان مجاور خود گره خورده‌اند. تحلیل کوهستان‌های اطراف ژنو و کشور سوئیس نشان‌دهنده روندی تاریخی از قرون ۱۴ و ۱۵ تا امروز بوده که بیان‌گر حضور دایمی این مؤلفه‌های طبیعی در فرهنگ مردم است. بدین ترتیب که در دوره‌ای با تصاویری وهم‌آلود، در دوره‌ای به عنوان منبع ذخایر طبیعی، در دوره‌ای به عنوان سوژه‌ای هنری و امروز به عنوان مناظری حفاظت‌شده و حتی نافذ و اثرگذار در انجمن‌های مستقل اجتماعی حضور دارد. مناظری که در دوره‌های سنت به صورت مناطقی مخوف و وحشتناک در قرون ۱۸ و ۱۹ بوده و امروز به منبعی برای ساخت هویت‌های فردی و اجتماعی تبدیل می‌شود. این موضوع نشان از قدرت فرهنگی این مناظر دارد. رفع نیازهای طبیعی و عملکردی در وهله اول و تقویت بنیان‌های اجتماعی و هویتی در مراحل بعدی تعامل انسان و طبیعت، رویکردهای متفاوتی را در برخورد با این مؤلفه‌ها ایجاد کرده و منجر به حفاظت روزافزون آنها شده که فارغ از اندیشه حاکم بر این رویکردها، حاکی از محوریت آنها در شکل‌گیری منظر فرهنگی ملل است.

پی‌نوشت

۱. Lavanchy. ۲. Mircéa Eliade. ۳. Chamonix. ۴. Vanoise. ۵. Carpathes.

Mountain Landscape

Scrutiny of Western Alps after the 18th Century

Anne Sgard, Associate Professor, Department of Geography and Environment, University of Geneva, Switzerland.
Anne.sgard@unige.ch

Translate (from the French to Persian): Seyed Mohammad Bagher Mansouri, Ph.D Candidate in Architecture, University of Paris EST, France.
smb.mansouri@gmail.com

Abstract | This paper tries to put the interaction of mountain and inhabitants and its organization, development and conservation process into scrutiny. In achieving this goal, the mountains of the 18th century and Western Alps where first signs of attention to mountains can be observed, were selected as the source. The initial arguments discusses the opinions toward mountains: How did mountains turn into a recognizing indicator over the last century as well as changing to a valuable, appreciated and protected landscape and a symbolic source for modern societies. Moreover, the role of mountains in land or collaborative projects was also queried.

Mountains were natural elements, especially as the context or in relation to human settlements and they are tied with shapes and different mental forms of the people who were in their vicinity over different periods. Analysis of surrounding mountains of Geneva and the Switzerland explains a historical process of the 14th and 15th centuries that admits permanent presence of these natural components in popular culture. Thus their presence is presented as imaginary fancy pictures in one period or as a source of natural resources in consuming period, as an artistic subject in another period and subsequently as protected, affecting, influential landscape in social communities. These were terrifying dreadful in the 18th and 19th century that have turned into a source of individual and social identity which explains their cultural strength. One the one hand meeting natural and functional needs and strengthening the foundations of identity on the other, will lead to different approaches dealing with these components and result their increased conservation which suggests a focus on the formation of national landscapes regardless of their prevailing thoughts.

Keywords | Landscape, Mountain, Alps, Nature.

Reference list

- Borrello, M. A. (2013). *Les hommespréhistoriqueset les Alpes*, Document du Départementde Géographie et Environnement de l'Université de Genève – British Archaeological Reports, International Series, 2476.
- Bourdon, E. (2011). *Le voyage et la découverte des Alpes*. Histoire de la construction d'un savoir (1492-1713). Paris: PUPS.
- Bozonnet, J-P. (1992). *Des montset des mythes. Imaginaire social de la montagne*. Grenoble: PUG.
- Debarbieux, B. & Rudaz, G. (2010). *Les faiseurs de montagne*. Paris: CNRS éd.
- Mauz, I. (2003). *Histoire etmémoire du parc national de la Vanoise*. 1921-1971: la construction. Grenoble: Ed. Revue de Géographie alpine, coll.
- Reichler, C. (2002). *La découverte des Alpes et la question du paysage*. Genève: Ed. Georg
- *Revue de Géographie Alpine*.
- Sgard, A. (1994). *Paysages du Vercors, entre mémoire et identité*. Grenoble: Ed. Revue de Géographie Alpine, coll.
- Sgard, A. (2001). *Voyage dans les montagnes du monde. Sur les traces de Jules Blache* (1934). *Revue de géographie alpine*, 4: 107-120.
- Walter, F. (2004). *Les figures paysagères de la nation. Territoire et paysageen Europe (16-20° siècle)*. Paris: Ed. EHESS.

